

ما و موسیقی

و بعضی چیزهای دیگر

نوشته‌ی ساسان فاطمی



بتهوون

مرکز موسیقی بتهوون شیراز



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۴۲، طبقه‌ی همکف
کدپستی ۱۶۱۱۹۷۵۵۱۶
تلفن: ۷۷۵۰۲۴۰۰ فکس: ۷۷۵۰۶۵۵۳
www.mahoor.com info@mahoor.com

ما و موسیقی و بعضی چیزهای دیگر

نوشته‌ی ساسان فاطمی

تصویرسازی جلد: مهدی فراهانی
صفحه‌آرایی: پویا دارابی
چاپ اول: ۱۴۰۰
تعداد: ۱۰۰۰ جلد
لیتوگرافی: باران
چاپ و صحافی: معرفت

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۷۲-۹۰-۶ ISBN: 978-964-8772-90-6

فهرست

۷	حرف اول
۱۱	۱. فایده‌ی موسیقی
۱۹	۲. حقیقت موسیقی ۱
۲۵	۳. حقیقت موسیقی ۲
	۴. دُنْبلیسمِ موسیقایی
۳۹	یا سَنَدْرُم «از ما گرفته‌اند»
۴۵	۵. عقده‌های هارمُنیک، عقده‌های ارکسترال
۶۱	۶. عقده‌گشایی‌های عارفانه
	۷. دوزبانگی موسیقایی
۷۱	و غول تازه‌ای به نام «متوسط»
۸۳	۸. نازبان‌مندیِ موسیقایی
	۹. زندگی فست‌فودی، موسیقی فست‌فودی
۸۹	و این نیازهای لعنتی زمانه
	۱۰. مرجعیتِ خودخوانده‌ی فردی یا خودمرجع‌پنداری
۹۹	الّٰهی برای اَمَلتِ نقدِ فی‌المجلس
	۱۱. تخیل هرز و مهمل‌گوییِ ممکن
۱۰۹	کانتوس اُرگانیکوس
	۱۲. فوران علم متوسط
۱۲۵	از بِلابلَا تا کُنسِپتوآلیزاسیسمِ علمی

۱۳. گول‌سازی‌های آنگلو ساکسنی و ظهور بنجل‌های فاخر
متوسط جدی می‌شود ۱۳۵
۱۴. جهان روشنفکری ۱۴۹
۱۵. نخبه‌ی عامه و نخبه‌ی عامه‌شناس
و دُمینوی «می‌گن»ها ۱۶۱
۱۶. موسیقی خوب / موسیقی بد
و تأثیراتِ حسی- هندسیِ موسیقی ۱۶۹
- حرفِ آخر ۱۸۱

حرف اول

«بلبل خیلی هم مزخرف می‌خواند»
(کریم شیرهای در بستر مرگ، روایت عامیانه)

نقل است که کریم شیرهای در بستر مرگ رخصت خواسته که: «بگذارید چیزی را بگویم که تمام عمر قصدِ گفتنش را داشته‌ام، اما تا امروز چون عقده‌ای در گلویم مانده است»، و در پی تشویقِ دوستان و غمخوارانی که بر بالینش حاضر و از اشتیاقِ شنیدنِ این رازِ یک عمر محفوظ‌مانده در سینه‌ی او بی‌تاب شده بودند، گفته است: «بلبل خیلی هم مزخرف می‌خواند.»

این حکایت، که البته حکایتی عامیانه است و صحت و سُقمِ آن اهمیتی ندارد و حتی ممکن است روایت‌های دیگری هم از آن منسوب به اشخاصِ دیگر وجود داشته باشد، حکایتی از یک واقعیتِ تلخِ اجتماعی است: واقعیتِ فشارِ عقایدِ عمومی، قدرتِ مستبدانه‌ی آنچه همه می‌گویند و همه می‌پذیرند و تروریسمِ فکری‌ای که به سکوت و به هم‌رنگی با جماعت از ترسِ رسوایی وامی‌دارد. حکایت اگر به هر کس دیگری غیر از کریم شیرهای منسوب می‌شد تا این اندازه تأثیرگذار نمی‌بود، زیرا بسیار آموزنده است وقتی تصور می‌کنیم که حتی این دل‌قکِ صریح‌اللهجه هم، که گمان می‌رود در سرتاسرِ عمر هر چه می‌خواسته، به بهانه‌ی طنز و در لباسِ طنز، بیان می‌کرده، از این قدرتِ اجتماعیِ مستبد در امان نبوده و با تمام بیزاری‌ای که از آوازِ بلبل داشته تا بسترِ مرگ مجبور به سکوتِ دربارهِی آن بوده است. نفعی زیباییِ آوازِ بلبل شوخی‌بردار نیست. این دیگر یک مزاحِ شیرینِ کوچک با منویات یا اعمالِ ملوکانه که خودِ سلطان را هم به خنده می‌اندازد، و درست به همین علت می‌تواند حتی چاپلوسانه قلمداد شود، نیست. این دیگر نفعی سلیقه‌ی عمومی است، و نه حتی یک سلیقه‌ی تازه‌شکل‌گرفته‌ی معاصر، یک سلیقه‌ی مُدِ روز که می‌شود به راحتی، با تکیه بر حقانیتِ سنت، دستش انداخت، بلکه سلیقه‌ای

که خود سنت است، این زیباشناسی عمومی هزارساله‌ی یک ملت است که شوخی با آن حتی لبخند هم به لب کسی نمی‌آورد.

حکایت کریم شیرهای هر بار که آن را به یاد می‌آورم با همان تأثیری که بار اول آن را شنیدم، که البته هیچ به خاطر ندارم کجا و کی بود، بر من ظاهر می‌شود؛ نه فقط به این دلیل که کمابیش، وقتی صحبت از آواز بلبل است، با او هم‌سلیقه‌ام (خدا مرا ببخشد)، بلکه دقیقاً از آنجا که این حکایت عامیانه و احتمالاً نه‌چندان معتبر، با ظرافتی درخور ستایش، بازتاب‌دهنده‌ی آن استبداد رأی همگانی‌ای است که به سکوت وامی‌دارد.

اطمینان دارم که همه‌ی ما حداقل یک بلبل در زندگی‌مان داریم که ممکن است هیچ‌گاه، حتی در بستر مرگ هم، حاضر به پذیرش تبعات ناشی از ابراز ناخشنودی‌مان از آوازش نشویم. در آنچه به خود من مربوط می‌شود، اعتراف می‌کنم که از این بلبل‌ها زیاد دارم. و البته این را هم اعتراف می‌کنم که صبر و طاقت کریم شیرهای را هم نداشته‌ام تا شکستن سکوت‌م را به لحظات پایانی عمرم در بستر مرگ موکول کنم. پیش از این چندین بار این سکوت را، دربارهای چند بلبلی که آوازشان را نمی‌پسندیده‌ام، شکسته‌ام و تبعات آن را هم متحمل شده‌ام؛ و اکنون، با این کتاب، قصد دارم همین کار را با بلبل‌های دیگری که آواز، مطابق رأی همگان، پسندیده‌شان همواره معذب کرده است بکنم. کسی نمی‌داند مرگ کی فرامی‌رسد، و کسی نمی‌داند که وقتی فرا رسید فرصت‌پیمان ناگفته‌ها را به طعمه‌ی خود می‌دهد یا نه.

موضوع اصلی این کتاب موسیقی است، اما موضوعات دیگری را هم در بر می‌گیرد؛ از مسائل مربوط به محیط علمی و دانشگاهی گرفته تا سینما و ساخت روشنفکری. پرداختن به برخی از این موضوعات، مثل سینما که یکی از علائق بزرگ من است، اما به هیچ‌وجه در تخصص من نیست، شهامت بیشتری می‌طلبید که، با استدلال‌های شخصی‌ای که برای خودم تراشیدم،

حرف اول ۹

هر طور شده بود آن را به دست آوردم. موارد غیرموسیقایی دیگر، به خصوص موضوعات مربوط به محیط علمی و دانشگاهی، خارج از تخصص و حرفه‌ام یا خارج از حوزه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی‌ام نبوده‌اند و، از آنجا که همواره با آنها سروکار داشته‌ام، شاید با بی‌پروایی بیشتری به آنها پرداخته‌ام. در هر حال، در همه‌جا، از جمله در موسیقی، این اغلب «آواز بلبل» هاست که هدف قرار گرفته است؛ اینجا «آواز بلبل» موسیقی، آنجا «آواز بلبل» سینما و جای دیگر «آواز بلبل» محیط علمی؛ و هر جا که آواز بلبلی هست، چه آنجا حوزه‌ی تخصصی‌تان باشد چه نباشد، یا باید عقده‌های گلوگیرتان را به گور ببرید، یا اگر نمی‌خواهید همچون کریم تا بستر مرگ صبر کنید، می‌بایست پیه همه‌چیز را به تن‌تان بمالید.

برخلاف اغلب کتاب‌های قبلی‌ام، این یکی به شکل *ایسه* یا *ایسی* است که در فارسی ظاهراً به آن «جُستار» می‌گویند؛ شکلی اساساً متکی بر تأملات شخصی و تفکر آزاد که خود را از قید مستند کردن رها می‌کند، بی‌آنکه البته «نامستند» باشد. گمانم بورديو در جایی، در نکوهش جُستار و جُستارنویسی، به بی‌دقتی علمی آن تاخته بود، اما «گزندگی» آن را ستوده بود؛ یعنی آن وجهی که ممکن است نقش نوعی «تلنگر» فکری و عامل برانگیختگی ذهنی را بازی کند که محافظه‌کاری علمی، با تردیدهای احتیاط‌آمیزش، هرگز قادر به ایفای آن نیست. چه این کتاب فقط مشمول وجه نکوهیده‌ی جُستار، از نظر بورديو، شود و چه مشمول هر دو وجه نکوهیده و ستوده‌ی آن، آنچه مسلم است این است که، حداقل برای نگارنده‌اش، نگارش آن جنبه‌های خوشایندی داشته که نگارش متن علمی هرگز نتوانسته است داشته باشد. دل‌برکندن از وسواس‌های دقت علمی هرچند به معنی محروم‌شدن از لذت استدلال و لذت استحکام‌بخشیدن به استدلال است، اما همچنین به معنی برخورداری از لذت ماجراجویی در عرصه‌هایی است که انضباط علمی ورود بی‌مجوز به آنها را

ممنوع می‌کند، برخورداری از لذت بیان آنچه بر بنیادهای حسی- عقلانی فردی مؤلف استوار است، از لذت بازتاب خود در نوشته‌ی خود و البته از لذت آزادی در بیان آن چیزهایی که نوعی ادراک اولیه و شهودی محسوب می‌شود. آنچه در این کتاب بیان شده البته نه همواره موارد مربوط به ادراک اولیه و شهود است و نه همواره بازتاب خود نویسنده در نوشته‌اش، بلکه در مواردی، که کم نیستند، یا متکی بر آراء امروز پذیرفته‌شده‌ی علمی در حوزه‌ی موسیقی‌شناسی است یا متکی بر ورودهای پیشین، و این بار با مجوز، نویسنده در عرصه‌هایی که می‌شود آنها را علمی محسوب کرد. با این حال، نه در این مقدمه و نه در سرتاسر کتاب، من تلاشی برای جداکردن این موارد از یکدیگر نکرده‌ام، زیرا آنچه جستاری این‌چنینی را می‌تواند پذیرفتنی- قابل تأمل کند یا نپذیرفتنی- بی‌اعتبار، نه تعداد و میزان گزاره‌های به‌تأیید مراجع علمی رسیده در آن، بلکه، در حالت اول، انسجام و قوام مجموعه‌ی گزاره‌های آن - چیزی که می‌تواند کل جستار را تا سطح یک کلیت با چارچوب فکری منطقی ارتقا دهد - و در حالت دو، فقدان انسجام و سستی آنهاست - چیزی که ساختن آن کل و آن چارچوب منطقی مطلوب را غیرممکن خواهد کرد.

«تخیل هرز به هر زمینی که بکر می‌بیند چنگ می‌اندازد، بی آنکه لحظه‌ای بیاندیشد که شاید بکارتِ ظاهری آن از سترونی آن باشد. و این بی‌خیالی خیال هرز نسبت به زایایی زمین بکر تازه‌یافته چندان هم از سرِ غفلت نیست، چراکه او به حمایتِ همراهی پشتگرم است که توانایی آن را دارد تا هرگونه سترونی‌ای را انکار کند و هر زمین لم‌بزرعی را حاصل خیز جلوه دهد: همراهی به نام «مهمل‌گویی ممکن». خیال هرز به یاری این حامیِ قدرتمند می‌تواند نسبت به عواقبِ کشفِ تازه‌اش بی‌خیال باشد، زیرا این حامی، برخلافِ خودش، دیگر «هرز» نیست. مهمل‌گویی‌ای که تخیلِ هرز را حمایت و نتیجه‌ی کشفِ آن را موجه و سرزمینِ بکرِ بی‌حاصلی که یافته است را مطلوب می‌کند اگر مثل خود خیال هرز باشد لو می‌رود و هرزبودنِ تخیلی را هم که تحت حمایتِ خود گرفته است لو می‌دهد. این مهمل‌گویی باید بتواند روی پای خود بایستد، اجزایش به هم مرتبط باشند، از گزاره‌های متناسب با یکدیگر تشکیل شده باشد و به‌ظاهر معنادار باشد تا بتواند مخاطبش را درباره‌ی زاینده‌ی زمینی که چیزی در آن نمی‌روید متقاعد کند؛ باید در چارچوبِ ممکناتِ آنچه گزاره‌ها را متقاعدکننده می‌کند مهمل باشد. هرچقدر تخیل ممکن بی‌نیاز از هرگونه هرزگویی بی‌حاصل است، تخیلِ هرز بدون مهمل‌گویی ممکن دوام نمی‌آورد.»

از متن کتاب

ساسان فاطمی: قوم‌موسیقی‌شناس و استاد گروه موسیقی دانشگاه تهران، صاحب تألیفات متعدد در زمینه‌ی موسیقی، از جمله فرهیختگی در محیط مردمی: غزل‌خوانیِ تهرانی و بسترهای فرهنگی-اجتماعی آن، از انتشارات ماهور.



مرکز موسیقی بتهوون شیراز



مؤسسه‌ی فرهنگی-هنری ماهور
Mahoor Institute of Culture and Arts
www.mahoor.com info@mahoor.com



9 789648 772906

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان